

بررسی مؤلفه‌های مؤثر در چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهر، مطالعه موردی: شهر تبریز

دریافت مقاله: ۹۸/۱/۱۹ پذیرش نهایی: ۹۸/۵/۹

صفحات: ۷۹-۱۰۱

نازلی پاکرو: دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: Npakru@yahoo.com

داریوش ستارزاده: دانشیار دانشکده معماری و هنر، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.^۱

Email: Sattarzadeh@iaut.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های مؤثر در چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهری در شهر تبریز است. روش تحقیق حاضر از نظر هدف توسعه‌ای - کاربردی و از لحاظ روش شناسی ترکیبی است که از دو روش کمی و کیفی در پژوهش استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شهروندان شهر تبریز انتخاب شد و حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر بدست آمد، روش نمونه‌گیری پژوهش به لحاظ تعداد زیاد محلات و مناطق خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. همچنین در روش کیفی از ابزار مصاحبه استفاده شد. جامعه مورد مطالعه برای مصاحبه از میان مدیران و کارشناسان سازمان‌های مرتبط با موضوع پژوهش به صورت هدفمند انتخاب شد برای تجزیه تحلیل یافته‌های کمی از نرم افزار spss22 و از نرم افزار NVivo10 برای تجزیه تحلیل مصاحبه‌های میدانی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شهر تبریز در ارتباط با بازآفرینی پایدار شهری به صورت مشارکتی با چالش‌های نهادی زیادی روبه‌رو است که می‌توان با استفاده از مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی مؤثر در بازآفرینی شهری، تغییر نگاه مسئولان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری و رفع موانع حقوقی مرتبط با سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت شهروندان در طرح‌های بازآفرینی شهری را افزایش داد و گامی در جهت رفع این چالش‌ها برداشت.

کلید واژگان: سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت شهروندی، بازآفرینی پایدار شهری، چالش‌های نهادی، تبریز، NVivo

۱. نویسنده مسئول: تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دانشکده معماری و هنر

مقدمه

مطالعات و تجارب صورت گرفته در زمینه نوسازی و بهسازی بافت‌های شهری، نشان دهنده تکامل رویکردهای متداول "نوسازی شهری" با محوریت تجدید حیات بافت‌های آسیب دیده، با تأکید بر مشارکت مردم است (یواندی پی^۱، ۲۰۰۴: ۷). رشد فزاینده شهرنشینی و گسترش روند شهرگرایی و پیچیده‌تر شدن نظام جامعه شهری از جمله عواملی هستند که ضرورت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری را بیش از پیش کرده‌اند (یواندی پی، ۲۰۰۴: ۷). مفهوم مشارکت در روزگار حاضر و تجلی آن در جوامع بشری موضوعی بسیار پراهمیت تلقی می‌گردد این اهمیت تنها ناشی از این نیست که مشارکت مردم در اداره امور جامعه خود، به مثابه ابزاری تلقی می‌شود که موجب تقسیم مسئولیت‌های جمعی شده و شراکت همه مردم در کارها و دستیابی به اهداف گروهی را تسهیل می‌نماید؛ بلکه امروزه مشارکت مردمی علاوه بر اینکه روش و ابزاری جهت نیل به اهداف جمعی است، خود از اهداف اصلی توسعه پایدار اجتماعی، فرهنگی به شمار می‌آید و توسعه همه جانبه اجتماعی - سیاسی و حتی اقتصادی جوامع در گرو و وابسته به آن پنداشته می‌شود. (علی حسابی، ۱۳۹۰: ۳۵) امروزه بیشتر صاحب‌نظران حوزه مدیریت شهری، تجربه مدیریت متمرکز شهر را شکست خورده دانسته و آن را بدون مشارکت شهروندان ناموفق ارزیابی می‌کنند. (عبداله پور، مختارپور، ۱۳۹۲: ۱۵۷) نهادهایی چون بانک جهانی یکی از شروط اصلی تحقق برنامه‌هایی چون بهبود مدیریت شهری و افزایش بهره‌وری شهری را بهره‌گیری از مشارکت‌های عمومی و خصوصی می‌داند. عموماً به شهرداریها توصیه می‌شود تا با انجام کارهایی چون مقررات زدایی و اصلاح نظامهای حقوقی مربوط به زمین، مسکن، امور مالی، زیر بناها، خدمات و بازارهای اشتغال، تمرکززدایی قدرت‌های مدیریت شهری از سطوح مرکزی به سطح دولت محلی و مشارکت عمومی و گروه‌های محلی در طراحی و اجرای پروژه‌ها و بهبود امور مالی در جهت حل مشکلات خویش گام بردارند. در این خصوص سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های داوطلبانه خصوصی به عنوان کارگزاران مناسب برای پیشبرد برنامه‌های توسعه معرفی شده‌اند که باید مورد حمایت قرار گیرند. (کلانتری، رسولی، ۱۳۹۴: ۴۲۶) یکی از سازمان‌هایی که می‌تواند زمینه و عرصه را برای مشارکت شهروندان در در بازآفرینی پایدار شهرها فراهم کند نهادهای غیردولتی یا سازمان‌های مردم نهاد هستند. سازمان مردم نهاد یا به اختصار «سمن» یا NGO^۲ به شکل‌های مختلف در سراسر جهان استفاده می‌شود و با توجه به بافت کلامی که در آن استفاده شده است، به انواع گوناگونی سازمان‌ها اشاره می‌کند (کلر^۳، ۲۰۰۱: ۲). اما مشارکت شهروندان در قالب گروه‌های مختلف از جمله مردم نهاد در امور مربوط به شهر ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ در آمریکا شکل گرفت. در این دوره، قوانین متعددی مبتنی بر مشارکت شهروندان تصویب شد که ماهیت فرایندهای تصمیم‌گیری شهری را تغییر داد. (موحد و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۶) سیاست بازآفرینی شهری در درجه اول با پویامندی‌های نهادی و سازمانی در مدیریت تغییر شهری سروکار دارد (رابرتس^۴، ۲۰۰۳: ۲۱). این سیاست در مناطق فرسوده با تأکید بر نگرش تعامل و مشارکت‌های راهبردی محلی، تنها به دنبال باززنده سازی مناطق متروکه نیست، بلکه به دنبال حل مشکلات فرسودگی شهری از طریق بهسازی مناطق محروم با هدف ارتقای کیفیت

1 UNDP

3-Non Governmental Organization

3 Clare

4 Roberts

زندگی است (حاجی پور، ۱۳۸۶: ۱۶) یکی از اهداف اصلی در بازآفرینی شهری پایدار حضور و مشارکت مردم بصورت نهادینه شده در قالب تشکلهای مردم نهاد می‌باشد. حضور و مشارکت نهادمند مردم در چنین برنامه‌هایی از ضروریات و الزامات موفقیت نسبی این طرح‌ها خواهد بود، لذا توانمندسازی جامعه مدنی و محلی جهت بدست گرفتن سرنوشت خود در این طرح‌ها می‌تواند مشکل گشای خیلی از مسائل باشد. (پیوسته گر و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۷) سازمان‌های مردم نهاد در امر بازآفرینی شهری می‌توانند نقش محوری توسعه (به ویژه توسعه مدنی و مشارکت اجتماعی) داشته باشند. به زبانی دیگر، سازمان‌های مردم نهاد در بازآفرینی پایدار شهری تأثیرگذار، مفید و دارای نقشی اجتناب ناپذیرند؛ تأثیرگذارند زیرا حرفه‌ای، داوطلبانه و باانگیزه فعالیت می‌کنند؛ مفیدند چون ساختار دارند، برنامه ریزی می‌کنند و مدام خود را و آنچه را با آن ارتباط دارند ارزیابی می‌کنند؛ و اجتناب ناپذیرند چون بدون توان آن‌ها امور به درستی اجرا نمی‌شود و یا دست کم دیدگاه‌های بخشی از مردم لحاظ نمی‌گردد.. (کلاتری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۵) ارائه خدمات در شهرهای امروزی با نیازهای فزاینده شهروندان، مستلزم سازوکارهای نوین است. سازمان‌های مردم نهاد که بستر شکل گیری مشارکت داوطلبانه شهروندان را ایجاد می‌کنند، ازجمله این سازوکارها به شمار می‌آیند. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع مشارکت شهروندان و نقش مهم مردم و جامعه مدنی به عنوان ذی نفعان اصلی بازآفرینی شهری و نهادها و سازمان‌های غیر دولتی به عنوان حلقه‌های شاهد و واسط و منعکس کننده مطالبات و انتظارات مردم، در این پژوهش به بررسی مؤلفه‌های مؤثر در چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهری در کلان شهر تبریز می‌پردازیم. برای این منظور در این پژوهش به دنبال یافتن جواب این فرضیات هستیم. ۱- چالش‌های مربوط به دولت مهمترین چالش‌های اصلی سازمان‌های مردم نهاد در امر بازآفرینی شهری محسوب می‌شود. ۲- با تغییر نگاه مسئولان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌های مردم نهاد می‌توان به مشارکت شهروندان و نهادها در امر بازآفرینی پایدار شهری دست یافت. ۳- مولفه‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهری شهر تبریز مؤثر است و ۴- با ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری می‌توان به مشارکت شهروندی در بازآفرینی شهری دست یافت.

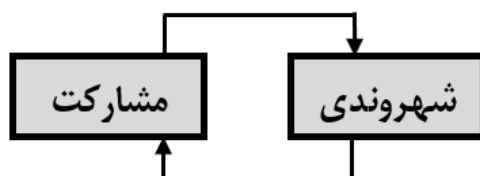
هدف اصلی این پژوهش بررسی مؤلفه‌های مؤثر در چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهری در شهر تبریز می‌باشد که به دنبال آن اهداف فرعی زیر نیز دنبال می‌شوند.

- چگونگی وارد کردن نهادهای مردمی به عنوان نهادهای مشارکتی تأثیرگذار در امر بازآفرینی پایدار شهری
- بررسی چالش‌های مربوط به دولت و موانع حقوقی سازمان‌های مردم نهاد در بازآفرینی پایدار شهری
- مشخص کردن مولفه‌های نهادی تأثیرگذار مشارکت شهروندی در بازآفرینی شهری پایدار در تبریز
- تأثیر ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری در میزان مشارکت شهروندان در بازآفرینی شهری پایدار در شهر تبریز

مبانی نظری

مشارکت شهروندی: مشارکت عبارتست از بازتوزیع قدرت که افراد را قادر به مداخله در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی می‌نماید که قبلاً فاقد آن بوده و عمدتاً تعیین کننده منافع آتی افراد است (آرنستیان^۱، ۱۹۶۹: ۲۱۸).

از نظر برخی از محققین مشارکت مفهومی توسعه‌ای که با انتقال قدرت همراه است (لوو^۱ و همکاران، ۱۹۹۹: ۱۴). و شکلی از توسعه درون‌زا است که طی زمان دنبال پاسخ به دو سؤال چرا و چگونه است و این مفهوم را در بر دارد که شامل مهیا کردن منابع محلی و حمایت از داده‌های درونی در داخل برنامه‌هایی برای ایجاد کارائی بالاتر است. بانک جهانی مشارکت را به عنوان فرآیندی تعریف می‌کند که طی آن گروههای ذینفع در جهت دادن به ابتکارات توسعه و تصمیم‌گیریها و منابعی که در زندگی تأثیر دارد مداخله و نظارت دارند (بانک جهانی، ۱۹۹۴: ۲۳). مشارکت شهروندان به عنوان نهضتی سازمان یافته به تجربه‌ی نو سازی شهری در آمریکا بازمی‌گردد. این مشارکت ابتدا در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت. در این دوره قوانین متعددی مبتنی بر مشارکت مردم تصویب شد که ماهیت فرایندهای تصمیم‌گیری شهر را تغییر داد. اما مفهوم مشارکت در نیمه‌ی اول دهه ۱۹۶۰ در انگلستان مطرح شد پس از آن کشورهای دموکراتیک دیگر از آن استقبال کردند. امروزه در اکثر کشورها مشارکت شهروندان جزء جدایی ناپذیر فرایند طرح‌ریزی شهری است. (پاپلی یزدی، ۱۳۸۷: ۳۳۷) در آمریکا ابتکار گروه‌های موسوم به (UDATS)^۲ که از دهه ۱۹۶۰ میلادی قوت گرفت نقش عموم مردم را در تنظیم سیاست‌ها و دستورالعمل‌های برنامه‌ریزی و طراحی نشان می‌دهد دو دهه بعد نیز نه تنها این ابتکار به نظام برنامه‌ریزی انگلستان رسوخ کرد. بلکه خود سرمنشا ابتکارات دیگری از جمله بیانیه طراحی محله‌های شهر و روستاها (VDS)^۴ در آنجا و سایر شد. برای نمونه VDS بیانیه‌ای برای برنامه‌ریزی و طراحی محله‌ها توسط اهالی محله‌ها توسط اهالی تنظیم می‌شود و آن بیانیه به عنوان پایه‌های اصلی برای سیاست‌های طراحی محدوده‌های سکونتی قلمداد می‌شود (نوریان و عبداللهی، ۱۳۸۵: ۳۶) به نظر مارشال، شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عبار اجتماع هستند داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند. مارشال حقوق شهروندی را دارای سه حوزه اصلی می‌داند؛ حقوق مدنی (مانند حقوق مبتنی بر آزادیهای فردی، آزادی بیان، حق مالکیت و حق بهره‌مندی از عدالت)؛ حقوق سیاسی (از قبیل حق رأی، حق شرکت در انتخابات) و حقوق اجتماعی (از جمله حق بهره‌مندی از امنیت، رفاه اجتماعی، خدمات مدنی و اجتماعی)؛ (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۱۰). ایده بنیادی تحقق حقوق شهروندی و نیز فعال نمودن شهروندان، حق تعیین سرنوشت از سوی افراد است که به عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق فردی در جامعه می‌باشد، و مهم‌ترین مکانیسم در رسیدن به آن، مشارکت واقعی شهروندان می‌باشد.



شکل (۱). چرخه تأثیرگذاری متقابل شهروندی و مشارکت

منبع: نجاتی، ۱۳۸۰: ۱۴

1 Lowe

2 World Bank

4-urban design action teams

5-village design statement

مشارکت شهروندی در جامعه شهری و تحقق شهروندی - در - عمل، پیامدهای مناسب و دوجانبه‌ای هم برای شهروندان (خصوصاً در اجتماعات محلی) و هم حکومت‌های محلی و دولت‌های شهری دارد؛ ازجمله بسط توانایی‌های افراد، تقویت حس اعتماد اجتماعی و اطمینان اجتماعی به حکومت محلی، تقویت حس همکاری میان شهروندان و مدیران شهری، حل مشکلات شهری از طریق مشارکت شهروندان، تقویت حس هویت شهری و احساس تعلق بیشتر به جامعه شهری (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۱۴).

بازآفرینی شهری پایدار (SUR):^۱ در ادبیات اخیر دنیا واژه «بازآفرینی شهری» به عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان بخشی رادبرمی گیرد، به کار می‌رود. بازآفرینی فرایندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. در این اقدام ضمن فضای شهری جدیدی حادث می‌شود که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذارند (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۴) بازآفرینی محیط‌های شهری از رکود اقتصادی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی که در اثر زوال و تخریب کالبد فیزیکی بوجود می‌آید، جلوگیری می‌کند (رابرتز و سایکس، ۲۰۰۰: ۱۴۰). بازآفرینی شهری پایدار؛ توسعه مجددی است که تأثیرات بلندمدت پایدار ایجاد نماید و در عین حال به مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی توجه داشته باشد. این مسئله چشم انداز بلندمدت سه ستون پایداری را در بر می‌گیرد که در قلب و هسته اصلی بحث قرار گرفته است (همفیل^۲ و همکاران، ۲۰۰۲: ۲۱). در بازآفرینی پایدار شهری، گونه‌های جدید نهادی شکل می‌گیرند که تلاش می‌کنند برنامه‌های بازآفرینی اجتماع مدار را به شکل یکپارچه و از پایین به بالا به صورتی که همه افراد ذینفع را شامل گردد، بسط و توسعه دهند. رویکرد بازآفرینی پایدار شهری، یک راهبرد یکپارچه از فرآیند تصمیم سازی را ارائه می‌دهد که فراگیر، رقابت آمیز و از لحاظ محیطی پایدار است. (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۴).

سازمان‌های مردم نهاد

سازمان‌های مردم‌نهاد یا سازمان عمومی غیردولتی یا سَمَن یا ان‌جی‌اَ NGO. در کلی‌ترین معنای خود، به سازمانی اشاره می‌کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود اما نقش بسیار مهمی به عنوان واسطه بین فرد فرد مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کند. (مشارکت کنندگان ویکی پدیا، ۲۰۱۹) در سیستم ملل متحد برای اولین بار واژه «سازمان‌های غیر دولتی» در ماده ۷۱ منشور ملل متحد به کار برده شد سازمان‌های غیر دولتی یا سمن‌ها یکی از بازیگران مهم عرصه ملی و بین‌المللی شمرده می‌شوند. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۴: ۵۴۲) گروهی از صاحب نظران دیدگاه محدودی دارند و تنها سازمان‌هایی همچون سازمان‌های وابسته به توده‌ی مردم و سازمان‌های حمایتی از توده مردم را که خارج از سطح محلی فعالیت می‌کند را سازمان‌های مردم نهاد می‌نامند. (موحد و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۵)

1 Sustainable Urban Regeneration

2 Robert & Sykes

3 Hemphill

چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی

سازمان‌های غیردولتی در مسیر شکل‌گیری و در روند فعالیت‌های خود با چالش‌های ساختاری و کارکردی درونی و بیرونی مختلفی، که دارای تأثیر بازدارنده بر فرایند فعالیت‌ها هستند روبرویند.

چالش‌های درونی

- در روند سازماندهی و ساماندهی، و در رویکردهای ورود به عرصه‌های فعالیت‌های امروزی، بیشتر این سازمان‌ها هنوز متکی بر ساختار مدیریتی سنتی‌اند و ساختار سازمانی ضعیفی دارند. این در حالی است که آنها در رویکردهای امروزیین جامعه مدنی نیز وارد شده‌اند.

- سازمان‌های غیر دولتی هنوز خودآگاهی لازم را به حد کافی ندارند و از جایگاه و نقش اثر گذاری خود در ابعاد اجتماعی و قلمرو حقوق نهادهای مدنی آگاه نیستند و به نوعی فرمالیسم دچارند.

- بسیاری از این نهادهای جامعه مدنی، در مواجهه با عرصه‌های فعالیت، فاقد برنامه و نظام مدون فعالیتی‌اند و توان لازم را ندارند.

- شفافیت و پاسخ‌گویی، که از ویژگی‌های بارز تشکلهای غیر دولتی است، در بسیاری از این نهادهای جامعه مدنی وجود ندارد.

- این سازمان‌ها از نظر ارتباطات بین سازمانی و نیز ارتباطات بین‌المللی با چالش‌های بسیاری روبه‌رویند.

چالش‌های برونی

سازمان‌های غیر دولتی با چالش‌های بیرونی زیر نیز مواجه‌اند:

- هنوز این تشکلهای در سطح جامعه و نهادهای دولتی شناخته شده نیستند، و کمتر به نقش و سهم آنها در حل معضلات اجتماعی و کمک به بخش دولتی توجه می‌شود.

- چالش عمده این سازمان‌ها، عبور از شرایط سخت ثبت و مراحل قانونی طولانی آن است.

- به رغم اینکه دولت ضرورت تعمیق نهادهای مدنی را اعلام کرده لکن هنوز فرصت‌ها و شرایط لازم برای حضور و مشارکت سازمان‌های غیر دولتی فراهم نشده است و اقدامات در دست انجام، پاسخگوی نیازهای مشارکتی نیست.

- رابطه بین دولت و سازمان‌های غیر دولتی، نابرابر و وزنه تصمیم‌گیری و تمرکز دولتی بسیار سنگین است و سازمان‌های غیر دولتی امکان نزدیک شدن به بخش دولتی را به منظور مشارکت ندارند. (ارجمندنیا، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۲).

اهم چالش‌های پیش رو برای سازمان‌های مردم نهاد در بازآفرینی شهری عبارت‌اند از:

- بی‌توجهی به سهم و حضور شهروندان و همکاری نهادهای مدنی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های بازآفرینی شهری؛
- عدم نظرخواهی از مردم و سازمان‌های مردم نهاد در طرح‌های بازآفرینی که خود منجر به عدم احساس تعلق خاطر مردم به طرح و محله خواهد شد؛ و نتیجه آن ایجاد فضای بی‌روح و فاقد سرزندگی در محله خواهد بود.

- یکی از چالش‌ها و موانع موجود این است برای حضور فعال سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد در فرآیند بازآفرینی شهری، فقدان زمینه‌های لازم برای اجرای این قوانین است. تاحدی که بسیاری از این قوانین در حد نظر باقی مانده‌اند.
 - عدم تعامل بین شکل‌گیری نهادها و سازمان‌های مردم نهاد و فرایند فعالیت در نظام شهری (بوچانی، ۱۳۸۵: ۵)؛
 - عدم اعتماد نهادهای رسمی به سازمان‌های مردم نهاد و مجموعه‌های مستقل (با توجه به اینکه به طور عمومی در کشور، با گروه‌های مستقل رابطه خوبی برقرار نشده است)؛
 - حضور شعارگونه مردم تنها در در قالب اهداف طرح‌های بازآفرینی؛
 - نبود بسترهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه برای به کارگیری سازمان‌های مردم نهاد در اداره امور شهر؛
 - عدم وفاق ملی و همگرایی دستگاه‌های مختلف دخیل در فرایند بازآفرینی شهری (بدون شک پویایی و حیات سازمان‌های غیردولتی و مردمی منوط به همکاری با دستگاه‌های دولتی و به‌طور کلی اعتقاد مدیران اجرایی به توانمندی‌های این نوع سازمان‌هاست؛ اما فقدان همکاری مناسب میان دستگاه‌های دولتی با سازمان‌های غیردولتی یکی دیگر از موانع جدی رشد سازمان‌های غیردولتی است)؛
 - توجه صرف به ابعاد کالبدی و زیبایی شناسانه و عدم توجه اقدامات بازآفرینی شهری به سرزندگی اجتماعی و اقتصادی؛
 - عدم ایفای نقش صحیح کنشگران مختلف دخیل به ویژه درگیری و مداخلات اجرائی مستقیم دولت و شهرداری‌ها در فرایند بازآفرینی شهری؛
 - نگاه و نگرش مسئولین مبنی بر عدم توانمندی ساکنان این محدوده‌ها برای حضور و مشارکت در فرایند بازآفرینی شهری؛
 - عدم ظرفیت سازی در شهرداری‌ها در جهت بهره‌گیری از گروه‌های مردم نهاد و پذیرش نقش محوری شهرداری‌ها ب عنوان مدیریت واحد و هماهنگ شهری؛
 - عدم حمایت‌های لازم از سرمایه‌گذاران، توسعه‌گران و سازندگان بخش خصوصی برای تشویق و افزایش انگیزه حضور در طرح‌ها و برنامه‌های بازآفرینی شهری؛
 - عدم تبعیت و حمایت فرهنگ مدیریت و برنامه ریزی تخصیص منابع در کشور از مشارکت اجتماعی (کلانتری خلیل آباد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۹).
- یکی از نخستین مطالعات در حوزه مسائل شهری در حیطه ی اداره مردمی شهر را، برایان مک لالین^۱ در اوایل دهه ی ۱۹۷۰ انجام داده است. از نظر او اداره مردمی شهر نوعی فرایند است که متضمن نظام پیوسته ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در بر می گیرد. افراد دیگری همچون اتکینسن^۲ و مک کینلی^۳ نیز پس از او این بحث را مطرح کردند. این مفهوم نه تنها تشکیلات دولتی و رسمی و همچنین نهاد های شهری و منطقه ای که رسماً امور عمومی را اداره می کنند ارتباط می یابد بلکه فعالیت بسیاری از گروه های سیاسی و اجتماعی دیگر

1-Brian Mc Laughlin

2-Atkinson

3-Mc Kinlay

را در بر می گیرد. الکساندر اوستلوالدر^۱ (۲۰۰۳) در پژوهشی نشان داد بسیاری از سازمان‌های غیردولتی مستقر در کشورهای توسعه یافته و سازمان‌های غیر دولتی بین المللی به این نتیجه رسیده‌اند که کار مستقیم با سازمان‌های محلی و غیر دولتی در مناطق عملیاتی ثمربخش‌تر از درگیری مستقیم اجرائی است؛ زیرا بجای آنکه چنین سازمان‌هایی از بیرون برای توسعه و عمران محلی تماس برقرار کنند، می‌توانند از طریق سازمان‌های محلی به نحو مطلوب مشارکت مردم محلی را در فعالیت‌های مربوط به حل مسائل خویش جلب و نهادینه سازند. هندی و کاسام^۲ (۲۰۰۶)، در پژوهشی به بررسی نقش سازمان‌های مردم نهاد در توانمندسازی زنان روستایی پرداختند آنها در این پژوهش به این نتیجه دست یافتند که برنامه‌های سازمان‌های مردم نهاد منجر به افزایش کارایی زنان می‌شود. نتایج مطالعه آنها در مصاحبه با ۷۲ زن در کشور هند نشان داد شرکت و آموزش در برنامه‌های سازمان‌های مردم نهاد موجب تغییرات و ارتقای «خود توانمندسازی»، «خود کارایی» و «خود بهینه سازی زنان» می‌شود.

در ایران کلانتری خلیل آباد و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به موضوع چالش‌های نهادی در بازآفرینی پایدار شهری با هدف بکارگیری گروه‌های مردم نهاد در اداره امور شهر پرداختند. نتایج مطالعات آنها نشان می‌دهد که نقش تشکل‌های مردمی در تمامی حوزه‌های اجتماعی انکارناپذیر است؛ اما به طور کلی عدم به کارگیری گروه‌های مردم نهاد در عرصه‌های مختلف برنامه ریزی کشور ریشه تاریخی دارد که زمینه‌های آن را می‌توان در سه عامل حاکمیت، مردم و نظام بین الملل جستجو نمود. جهانی دولت آباد، شماعی و جهانی دولت آباد (۱۳۹۲)، به سنجش میزان هویت محله‌ای با تاکید بر نقش نهاد‌های مردمی در منطقه ۷ شهر تهران با استفاده روش تحقیق توصیفی -تحلیلی و پیمایشی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که احساس تعلق و حساسیت به محله در بین شهروندان منطقه مورد مطالعه چندان پررنگ و قابل قبول نیست و مهمترین علل این موضوع فقدان تعامل سازنده بین نهاد‌های مردمی و شهروندان در این منطقه است. انتظارات شهروندان منطقه از نهاد‌های مردمی در خصوص تقویت عوامل هویت بخش محله‌ها قابل توجه است این موضوع نشان می‌دهد که حساسیت نسبت به محله و پتانسیل شکل گیری هویت محله‌ای در بین شهروندان منطقه هفت تهران وجود دارد و در صورتی که به انتظارات آنان در این خصوص به نحو مطلوب جامه عمل پوشانده شود، وضعیت مناسبتری بر محله‌ها حاکم خواهد شد. رجبی و حصارى نژاد (۱۳۹۲) در پژوهشی به موضوع شرکت‌های مردم نهاد شهری؛ راهکاری برای مشارکت شهروندان در مدیریت شهری پرداختند. در این پژوهش به منظور تحقق عینی و ساختاری مشارکت مردمی با ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان و سابقه ساختار موفق محلات و شهرهای گذشته و به منظور ایجاد منافع حاصل از مشارکت شرکت‌های مردم نهاد به عنوان راهکاری برای مشارکت شهروندان در مدیریت شهر پیشنهاد شده است. موحد و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای پژوهشی به نقش سازمان‌های مردم نهاد برای مشارکت در بازسازی بافت‌های فرسوده در بافت فرسوده‌ی بخش مرکزی شهر اهواز پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که تقویت ارزش‌های فرهنگی و قومی منجر به تقویت مشارکت و فعال کردن سازمان‌های مردم نهاد در نوسازی و بهسازی بخش مرکزی اهواز خواهد شد. عدم شکل گیری نهادهای مردمی همراه با تحولات اجتماعی و قومی در سال‌های اخیر باعث شده است که جریان مشارکت در بهسازی و نوسازی محله رو به کاهش

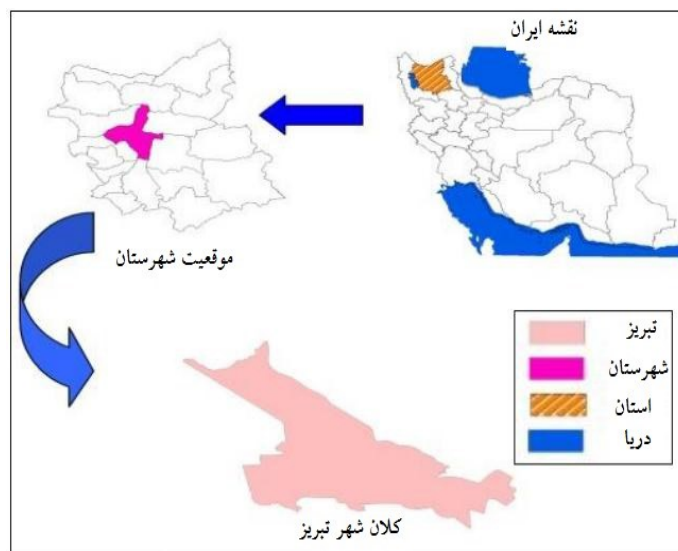
1 Alexander Osterwalder
5-Handy & Kassam

بگذارد. توکلی، مؤید فر و ذاکریان (۱۳۹۶) در پژوهشی به نقش سازمان‌های مردم نهاد و تشکل‌های مردمی در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری در محله مهدیه شهرکرد پرداختند. در این پژوهش سعی شده است که با استفاده از پتانسیل سازمان‌های غیر دولتی و سمن‌ها وبا شناخت همه جانبه این محله، با بهره گیری از مدل استفاده از پتانسیل شورایاری‌ها و افزایش نقش مشارکتی مردم و ایجاد کاربریهای مورد نیاز در محله به عنوان مهمترین راهکار مطرح شدند. رضایی و خدایی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان ویژگی ها و موانع ایجاد نهاد های اجتماعی محله محور از نگاه شهروندان محلات واقع در شهر فردوسیه - شهرستان شهریار با در نظر گرفتن سرمایه اجتماعی به عنوان محور کلیدی در تحقق ایجاد نهادهای اجتماعی به بررسی دو مولفه اصلی سرمایه اجتماعی، یعنی مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی پرداختند. یافته های پژوهش آنها نشان می دهد میان مشارکت، اعتماد و موانع و محدودیت های موجود و ویژگی ها از دید شهروندان در ایجاد نهاد اجتماعی محله محور در شهر فردوسیه ارتباط معناداری وجود داشته به نحوی که مشارکت واعتماد و وجود نیروی انسانی مجرب از دید شهروندان از اهمیت بالاتری در ویژگی های ایجاد نهاد اجتماعی در شهر فردوسیه برخوردار شده و از طرف دیگر موانع و محدودیت هایی نظیر عدم هماهنگی میان بخش ها و نهادها و عدم توجه به مفهوم شهر با دید انسان محور بودن دارای بیشترین نظر از دید شهروندان در محدودیت های ایجاد نهاد اجتماعی محله محور بوده است.

روش تحقیق

معرفی محدوده مورد مطالعه

کلانشهر تبریز، مرکز استان آذربایجان شرقی و شهرستان تبریز در شمال غرب ایران در ۵۲۴ کیلومتری شمال غربی تهران و ۱۳۵ کیلومتری جنوب جلفا و ۵۰ کیلومتری شمال غرب کوهستان سهند واقع شده است. این شهر در ارتفاع ۱۳۶۵ متر، در اقلیم معتدل مایل به سرد، خشک کوهستانی قرار دارد و در موقعیت جغرافیایی ۴۶ درجه ۱۸ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۴ دقیقه و ۴۵ ثانیه عرض شمالی کنار آجی چای و حاشیه شمال غربی کوه سهند قرار دارد. در سال ۱۳۹۵ خورشیدی، جمعیت تبریز بالغ بر ۱'۵۵۸'۶۹۳ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) نفر بوده و به ۱۰ منطقه شهری تقسیم بندی شده است. در حال حاضر ۶۳۰ سمن در استان آذربایجان شرقی تاسیس شده است که از این تعداد ۱۱۵ سمن مردم نهاد در امور اجتماعی، ۴۸ سمن فعال در امور فرهنگی، ۲۳ سمن فعال در امور بهداشت و درمان، ۱۶ سمن در محیط زیست و منابع طبیعی، هفت سمن در امور عمرانی و آبادانی، هشت سمن در امور فناوری، هفت سمن در امور اقوام، دو سمن ورزش و جوانان پنج سمن فعال در امور ساخت و توسعه فعالیت می کنند. از ۶۳۰ سمن موجود در استان نزدیک به ۲۰۰ سمن در شهر تبریز فعالیت می کنند. (www.ostan-as.gov.ir, 2018)



شکل (۲). موقعیت شهر تبریز در شهرستان، استان و کشور، منبع: نگارندگان

داده و روش کار

روش پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای - کاربردی و از نظر روش‌شناسی در گروه پژوهش‌های ترکیبی جای می‌گیرد در این پژوهش از دو روش کمی و کیفی برای جمع‌آوری و تحلیل داده استفاده شد. بخش کمی: در روش کمی از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد و داده‌های تحقیق در پرسش‌نامه در ۴ قسمت چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوط به دولت با ۱۰ مؤلفه، چالش‌های مربوط به مردم با ۷ مؤلفه، چالش‌های مربوط به خود نهادها با ۱۰ مؤلفه در کل با ۲۷ مؤلفه چالش‌های نهادی مشارکت و مؤلفه‌های نهادی تأثیر گذار مشارکت شهروندی در بازآفرینی شهری با ۱۳ مؤلفه تنظیم و در قالب طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت با دامنه پاسخ یک (خیلی کم) تا پنج (خیلی زیاد) استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش را شهروندان شهر تبریز تشکیل می‌دهد. جمعیت شهر تبریز در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱'۵۵۸'۶۹۳ بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۸۵ نفر بدست آمد. روش نمونه‌گیری با توجه به تعداد زیاد مناطق، نواحی و محلات در سطح شهر خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد که طبق آن ۳۸۵ پرسش‌نامه به صورت تصادفی از شهروندان تبریز پر شد. ابتدا ۴۰ پرسش‌نامه پر شد و پایایی گویه‌ها در نرم افزار SPSS22 با روش آلفای کرونباخ بدست آمد که نتایج آن در جدول (۱) مشاهده می‌شود.

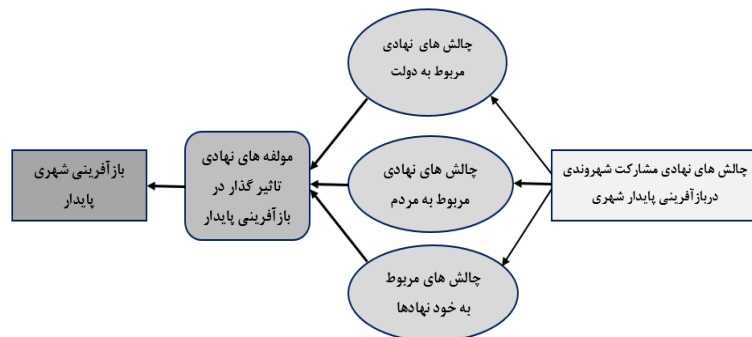
جدول (۱). نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای هریک از معیارها

معیارها	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
چالش‌های نهادی مربوط به دولت	۱۰	۰/۷۹۰
چالش‌های نهادی مربوط به مردم	۷	۰/۸۴۴
چالش‌های نهادی مربوط به نهادها	۱۰	۰/۷۴۵
مؤلفه‌های نهادی تأثیرگذار در بازآفرینی شهری	۱۳	۰/۹۲۸

طبق نتایج بدست آمده مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده بیشتر از مقدار ۰/۷ است که نشان می‌دهد پایایی گویه‌ها در حد مطلوب قرار دارند.

برای تجزیه تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS22 استفاده شد. ابتدا با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن داده‌ها انجام شد و مشخص شد که میزان sig بزرگ‌تر از ۰/۵ است. بنابراین می‌توان گفت داده‌های پژوهش نرمال هستند و فرض صفر تأیید می‌شود بنابراین برای تجزیه تحلیل یافته‌های استنباطی و آزمون فرضیات باید از آزمون‌های پارامتری استفاده کرد. در این راستا برای اثبات فرضیات از آزمون t استفاده شد.

بخش کیفی: در مطالعه حاضر به منظور بررسی جامع نگر موضوع، از ابزار مصاحبه نیز استفاده شد جامعه مورد مطالعه برای مصاحبه از میان مدیران و کارشناسان سازمانهای مرتبط با موضوع پژوهش (اداره راه و شهرسازی، شهرداری‌ها و...) به صورت هدفمند انتخاب شد. مصاحبه با این سؤال باز که به نظر شما مؤلفه‌های مؤثر در چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهری در شهر تبریز کدامند؟ آغاز شد. پس از انجام ۱۵ مصاحبه به طول بیش از ۱۰ ساعت، اشباع تئوریک^۱ به دست آمد. و فرایند جمع آوری داده‌ها خاتمه یافت. به دلیل حجم بالای داده‌ها در پژوهش‌های کیفی و تحلیل زمان بر بودن آنها، بهتر است از نرم افزارهای کیفی استفاده شود. (Morse & Richard, 2012:13) براین اساس از نرم افزار NVivo10 برای تجزیه تحلیل مصاحبه‌های میدانی استفاده شد. بدین ترتیب پس از پیاده سازی مصاحبه‌ها، هر یک در قالب فایل جداگانه‌ای در نرم افزار Word تایپ شد و با فراخوانی فایل‌ها در محیط نرم افزار NVivo10 کد گذاری مصاحبه‌ها انجام شد، پس از تکمیل فرایند کد گذاری، تمام استدلال‌های مطرح شده در مطالعات مرتبط استخراج شدند.



شکل (۳). مدل مفهومی پژوهش

نتایج

متغیرهای جمعیتی پاسخگویان: همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌کنیم، براساس یافته‌های بدست آمده از پرسش نامه‌ها ۶۱/۵ درصد از پاسخ‌گویان را مرد و ۳۸/۵ درصد را زن تشکیل می‌دهد. بیشتر پاسخ‌گویان در گروه سنی ۲۰ الی ۴۰ سال با ۵۹ درصد قرار گرفته‌اند و بعد از آن با ۲۸/۵ درصد در گروه سنی ۴۰ الی ۶۰ سال قرار گرفته‌اند. سطح تحصیلات ۳۴/۴ درصد از پاسخ‌گویان دیپلم بعد از آن به ترتیب فوق دیپلم با ۱۹/۵ درصد، زیر دیپلم با ۱۳/۱ درصد و لیسانس به بالا با ۶/۴ درصد قرار دارند.

۳۵/۱ درصد از وضعیت شغلی پاسخ گویان آزاد، ۱۸/۷ درصد دولتی، ۱۲/۶ درصد دانشجو و ۳۳/۶ درصد شغل دیگری (سایر) دارند همچنین ۲۷/۴ درصد از پاسخ گویان مجرد و ۷۲/۶ درصد متأهل هستند.

جدول (۲). خلاصه متغیرهای جمعیت شناختی پژوهش

توزیع فراوانی پاسخ گو. یان براساس جنس		مرد		زن	
		۶۱٪/۵		۳۸٪/۵	
توزیع فراوانی پاسخ گویان براساس سن		کمتر از ۲۰ سال	۲۰-۴۰ سال	۴۰-۶۰	بالتر از ۶۰ سال
		۷٪/۴	۵۹٪	۲۸٪/۵	۵٪/۱
توزیع فراوانی پاسخ گویان براساس میزان تحصیلات		زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر
		۱۳٪/۱	۳۴٪/۴	۱۹٪/۵	۶٪/۴
توزیع فراوانی پاسخ گو. یان براساس وضعیت شغل		دولتی	آزاد	خدماتی	سایر
		۱۸٪/۷	۳۵٪/۱	۱۳٪/۶	۳۳٪/۶
توزیع فراوانی پاسخ گو. یان براساس وضعیت تأهل		مجرد		متأهل	
		۲۷٪/۴		۷۲٪/۶	

ماخذ: یافته‌های پژوهش

چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوط به دولت و نهادهای دولتی

برای بررسی چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوط به دولت و سازمان‌های دولتی و نیمه دولتی از ۱۰ مؤلفه استفاده شد. میانگین هر یک از مؤلفه‌های تاثیرگذار در چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در جدول ۳ آمده است. مؤلفه‌های عدم استقبال مدیران و نبود اراده‌ی سیاسی و مدیریتی جدی برای مشارکت دادن سازمان‌ها و پذیرش هزینه‌های آن با میانگین ۴/۱۰، موانع حقوقی رشد و توانمندی سازمان‌های مردم نهاد با میانگین ۳/۹۶ و فقدان زمینه‌های لازم برای اجرای قوانین و حضور فعال مردم و سازمان‌های مردم نهاد در طرح‌های بازآفرینی با میانگین ۳/۸۴ به عنوان سه چالش نهادی مشارکت شهروندی مطرح شدند. مؤلفه‌های دیگر نیز میانگین بیشتر از حد متوسط یعنی عدد ۳ دارند و شهروندان آنها را به عنوان چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی تأیید کردند. نتایج آمار توصیفی مؤلفه‌های چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوطه به بخش دولت در جدول (۳) آمده است.

جدول (۳). نتایج آمار توصیفی و میانگین مؤلفه‌های چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوط به دولت

مؤلفه‌ها	تعداد مشاهدات	درجه آزادی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
شرایط سخت مراحل قانونی و ثبت نهادها	۳۸۵	۳۸۴	۳/۲۲	۱/۲۷۱	۱/۱۱۶
موانع حقوقی رشد و توانمندی سازمان‌های مردم نهاد	۳۸۵	۳۸۴	۳/۹۶	۱/۸۹۶	۱/۰۸۲
عدم استقبال مدیران و نبود اراده‌ی سیاسی و مدیریتی جدی برای مشارکت دادن سازمان‌ها و پذیرش هزینه‌های آن	۳۸۵	۳۸۴	۴/۱۰	۱/۹۴۸	۱/۰۹۰
فقدان زمینه‌های لازم برای اجرای قوانین و حضور فعال مردم و سازمان‌های مردم نهاد در طرح‌های بازآفرینی	۳۸۵	۳۸۴	۳/۸۴	۱/۶۰۸	۱/۰۵۶
مدل حکومت متمرکز کشور (برنامه ریزی از بالا به پایین)	۳۸۵	۳۸۴	۳/۱۵	۱/۱۲۱	۱/۰۶۵
وابسته شدن بیشتر سازمان‌های مردم نهاد به دولت از نظر مالی	۳۸۵	۳۸۴	۳/۱	۱/۹۶۵	۱/۰۶۹
ضعف رویکرد مشارکت پذیری از سوی مسئولین و مدیریت شهری	۳۸۵	۳۸۴	۳/۶۲	۱/۰۲۸	۱/۰۵۹

۱۰۵۶	۱۹۶۸	۳/۱۳	۳۸۴	۳۸۵	ماهیت دولتی بودن مفهوم نهادها و مشارکت در ایران
۱۰۶۱	۱/۰۵۳	۳/۶۰	۳۸۴	۳۸۵	نظارت‌های زیاد دولت بر این سازمان‌ها وعدم استقلال آنها
۱۰۷۸	۱/۹۹۸	۳/۸۰	۳۸۴	۳۸۵	عدم وفاق و همگرایی دستگاه‌های مختلف دخیل در فرایند بازآفرینی

منبع: یافته‌های نگارندگان

چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در ارتباط با مردم

در ارتباط با چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در ارتباط با شهروندان از ۷ مؤلفه استفاده شد که معیار عدم اطلاع و آگاهی بسیاری از مردم از وجود و ماهیت این نهادها با میانگین ۳/۸۴، عدم تعامل مردم با سازمان‌های مردم نهاد در زمینه نوسازی و بازآفرینی شهری با میانگین ۳/۶۹ و مؤلفه نگاه ابزاری مردم به سازمان‌های مردم نهاد و استفاده منافع شخصی با میانگین ۳/۵۶ به ترتیب به عنوان اصلی‌ترین چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در شهر تبریز انتخاب شد. میانگین مؤلفه‌های دیگر نیز بیشتر از میانگین متوسط یعنی عدد ۳ بدست آمده است که نشان می‌دهد هر کدام از این مؤلفه‌ها نیز از چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در ارتباط با شهروندان هستند. نتایج آمار توصیفی مربوط به مؤلفه‌های چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوط به شهروندان در جدول (۴) آمده است.

جدول (۴). نتایج آمار توصیفی و میانگین مؤلفه‌های چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوط به مردم

مؤلفه‌ها	تعداد مشاهدات	درجه آزادی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
عدم علاقه بسیاری از مردم برای مشارکت در این سازمان‌ها	۳۸۵	۳۸۴	۳/۲۲	۱/۸۹۹	۱۰۵۲
نگاه ابزاری مردم به سازمان‌های مردم نهاد و استفاده منافع شخصی	۳۸۵	۳۸۴	۳/۵۶	۱/۹۹۳	۱۰۵۷
وجود فرد گرایی در جامعه ایران و تاکید بر واژه من به جای واژه ما	۳۸۵	۳۸۴	۳/۱۰	۱/۰۸۹	۱۰۶۳
عدم اطلاع و آگاهی بسیاری از مردم از وجود و ماهیت این نهادها	۳۸۵	۳۸۴	۳/۸۴	۱/۰۰۵	۱۰۵۸
نگاه بدبینانه به این نهادها و قرار دادن آنها در کنار نهادهای دولتی	۳۸۵	۳۸۴	۳/۲	۱/۹۰۶	۱۰۵۲
عدم تعامل مردم با سازمان‌های مردم نهاد در زمینه نوسازی و بازآفرینی شهری	۳۸۵	۳۸۴	۳/۶۹	۱/۹۵۶	۱۰۵۵
نبود بسترهای اجتماعی و فرهنگی در تبریز برای بکارگیری سازمان‌های مردم نهاد	۳۸۵	۳۸۴	۳/۵۳	۱/۰۴۲	۱۰۶۰

چالش‌های نهادی مشارکت در ارتباط با خود نهادها

همانطور که در جدول (۵) مشاهده می‌کنیم در ارتباط با چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در ارتباط با خود سازمان‌های مردم نهاد از ۱۰ مؤلفه استفاده شد که مؤلفه‌های عدم وجود سازمان‌های مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری در شهر تبریز با میانگین ۴/۰۹، ساختار مدیریتی سنتی و ضعیف سازمان‌های مردم نهاد ۴/۰۶ و عدم شفافیت و پاسخگویی نهادها در برابر برنامه‌ها و فعالیت‌های خود با میانگین ۳/۷۰ به عنوان اصلی‌ترین چالش مشارکت شهروندی در ارتباط با خود سازمان‌های مردم نهاد از طرف شهروندان انتخاب شد. به جز مؤلفه منازعات درون گروهی سازمان‌ها برای کسب قدرت با میانگین ۲/۵۸ صدم، عدم آگاهی سازمان‌های مردم نهاد به جایگاه و نقش اثر گذاری خود در ابعاد اجتماعی با ۲/۵۳ و عدم اجماع نظر اعضای نهادهای مردمی

در خصوص مفاهیم بنیادین و مهم با ۲/۹۲، بقیه مؤلفه‌ها میانگین بیش‌تر از حد متوسط میانگین یعنی عدد ۳ را دارند.

جدول (۵). آمار توصیفی و میانگین مولفه‌های چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوط به خود نهادها

مؤلفه‌ها	تعداد مشاهدات	درجه آزادی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
عدم اجماع نظر اعضای نهادهای مردمی در خصوص مفاهیم بنیادین و مهم	۳۸۵	۳۸۴	۲/۹۲	۱/۰۰۱	۱/۰۵۵
ساختار مدیریتی سنتی و ضعیف سازمان‌های مردم نهاد	۳۸۵	۳۸۴	۴/۰۶	۱/۸۹۶	۱/۰۸۲
عدم وجود سازمان‌های مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری	۳۸۵	۳۸۴	۴/۰۹	۱/۹۷۱	۱/۰۶۶
نبود برنامه مدون و نظام برنامه ریزی در این سازمانها	۳۸۵	۳۸۴	۳/۱۴	۱/۰۰۰	۱/۰۵۸
عدم شفافیت و پاسخگویی نهادهای برابر برنامه‌ها و فعالیت‌های خود	۳۸۵	۳۸۴	۳/۷۰	۱/۸۴۰	۱/۰۴۹
عدم اطلاع رسانی و آموزش مداوم سازمان‌ها مردم نهاد درباره مشارکت	۳۸۵	۳۸۴	۳/۶۰	۱/۸۵۲	۱/۰۵۱
عدم وجود قوانین مناسب و مؤثر برای به کار گیری مشارکت در سازمان‌ها	۳۸۵	۳۸۴	۳/۰۶	۱/۱۲۷	۱/۰۵۶
عدم آگاهی سازمان‌های مردم نهاد به جایگاه و نقش اثر گذاری خود در ابعاد اجتماعی	۳۸۵	۳۸۴	۲/۵۳	۱/۹۵۱	۱/۰۵۵
منازعات درون گروهی سازمان‌ها برای کسب قدرت	۳۸۵	۳۸۴	۲/۵۸	۱/۰۷۳	۱/۰۶۲
عدم برخورداری علمی - تخصصی مناسب اعضای سازمانهای مردم نهاد	۳۸۵	۳۸۴	۳/۱۸	۱/۰۷۸	۱/۰۵۶

منبع: یافته‌های نگارندگان

نتایج آمار استنباطی سه معیار مؤلفه‌های سازنده چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی همانطور که نتایج آزمون تی در جدول (۶) مشاهده می‌شود میانگین کل بدست آمده برای هریک از معیارها بیشتر از حد متوسط میانگین یعنی عدد ۳ است و بیشترین میانگین بدست آمده برای چالش‌های نهادی مشارکت مربوط به دولت با ۳/۵۴ با اختلاف از میانگین ۰/۵۴ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ قرار دارد.

جدول (۶). میانگین کل، تفاوت از میانگین و سطح معناداری سه معیار سازنده چالش‌های نهادی مشارکت

استاندارد آزمون = ۳			
معیارها	میانگین	تفاوت از میانگین	معنی داری Sig
چالش‌های نهادی در ارتباط با دولت و نهاد های دولتی	۳/۵۴	۰/۵۴۳	۰/۰۰۰
چالش‌های نهادی مشارکت در ارتباط با مردم و شهروندان	۳/۴۴	۰/۴۴۸	۰/۰۰۰
چالش‌های مشارکت شهروندی در ارتباط با خود نهادها	۳/۲۸	۰/۲۸۶	۰/۰۰۰
میانگین کل مؤلفه‌ها	۳/۴۲	۰/۴۲	۰/۰۰۰

مؤلفه‌های نهادی تاثیرگذار در بازآفرینی شهری پایدار شهر تبریز

در ادامه به بررسی مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی مؤثر در بازآفرینی شهری پایدار پرداخته شده است که برای این بررسی این موضوع همانطور که در جدول (۷) مشاهده می‌کنیم از ۱۳ مؤلفه استفاده شد. نتایج بدست آمده از آزمون تی نشان می‌دهد، ایجاد وتشکیل سازمان‌های مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری با میانگین ۴/۲۵، همکاری و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد در امر آموزش مشارکت شهروندی با ۴/۲۲، دریافت پروژه‌های فرهنگی و اجتماعی شهرداری آر سازمانهای مردمی با ۴/۲۰، ایجاد جلسات مستمر و رودرو با مسوولین محله و مردم برای ارائه طرح‌ها و مصوبات شورا و پاسخ صادقانه به پرسش‌های مردم توسط سازمان‌ها با ۴/۱۰ و انجام طرح‌های بازآفرینی با مشارکت سازمانهای مردم نهاد و مردم ۳/۹۵ به عنوان پنج مؤلفه نهادی مؤثر در بازآفرینی شهری پایدار شهر تبریز شناخته شد. به جز مؤلفه ایجاد سازوکار مناسب قانونی برای انتقال نیازها ومشکلات مردم به مدیران محله توسط نهادها با میانگین ۲/۵۳ بقیه مؤلفه‌ها میانگین بیشتر از ۳ را بدست آورده‌اند.

جدول (۷). نتایج آمار توصیفی مؤلفه های نهادی تاثیرگذار در بازآفرینی شهری پایدار شهر تبریز

مؤلفه‌ها	تعداد مشاهدات	درجه آزادی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
همکاری و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد در امر آموزش مشارکت شهروندی	۳۸۵	۳۸۴	۴/۲۲	۱/۰۷۱	۱/۱۵
جذب سرمایه گذار از میان خود مردم محله، منطقه برای بازآفرینی شهری	۳۸۵	۳۸۴	۳/۴۵	۱/۶۷۶	۱/۰۳۹
برگزاری اتاق فکر و مشورت با نخبگان و بزرگان و ساکنین محله توسط این سازمان‌ها	۳۸۵	۳۸۴	۳/۷۱	۱/۹۴۸	۱/۰۹۰
همکاری سازمان‌های مردم نهاد با شوراهای اسلامی محله، و شهر در مورد بازآفرینی شهری محله ومنطقه	۳۸۵	۳۸۴	۳/۸۴	۱/۷۳۶	۱/۰۴۳
ایجاد جلسات مستمر و رودرو با مسوولین محله و مردم برای ارائه طرح‌ها برنامه‌ها و مصوبات شورا و پاسخ صادقانه به پرسش‌های مردم	۳۸۵	۳۸۴	۴/۱۰	۱/۸۱۲	۱/۰۵۷
ایجاد سازوکار مناسب وقانونی برای انتقال نیازها ومشکلات مردم به مدیران محله توسط نهادها	۳۸۵	۳۸۴	۲/۵۳	۱/۷۶۹	۱/۰۴۴
توانمندسازی اقتصادی و ظرفیت سازی اجتماعی و نهادی سازمان‌ها	۳۸۵	۳۸۴	۳/۸۵	۱/۸۶۹	۱/۰۵۸
دریافت پروژه‌های فرهنگی و اجتماعی شهرداری آر سازمانهای مردمی	۳۸۵	۳۸۴	۴/۲۰	۱/۰۲۳	۱/۰۶۸
افزایش روابط وارتباط سازمان‌های مردم نهاد با مردم و دولت	۳۸۴	۳۸۴	۳/۷۱	۱/۶۲۹	۱/۰۳۶
بسترسازی شرایط لازم برای مداخله شهروندان وسازمان های مردم نهاد در بازآفرینی شهری در شهر تبریز	۳۸۵	۳۸۴	۳/۹۰	۱/۹۳۸	۱/۰۴۸
تغییر نگاه مسئولان به ظرفیت‌ها وتوانمندی های سازمان‌های مردم نهاد	۳۸۵	۳۸۴	۳/۷۰	۱/۸۶۰	۱/۰۷۸
انجام طرح‌های بازآفرینی با مشارکت سازمانهای مردم نهاد و مردم	۳۸۵	۳۸۴	۳/۹۵	۱/۸۵۰	۱/۰۴۳
ایجاد سازمانهای مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری	۳۸۵	۳۸۴	۴/۲۵	۱/۷۱۰	۱/۰۴۱

نتایج آمار استنباطی و میانگین کل مؤلفه‌های نهادی مؤثر در بازآفرینی پایدار شهری همانطور که نتایج آزمون تی را در جدول (۸) مشاهده می‌کنیم براساس نتایج آزمون تی میانگین کل بدست آمده برای مؤلفه‌های نهادی مؤثر در بازآفرینی برابر با $3/80$ و تفاوت از میانگین $0/80$ و سطح معناداری برابر با $0/000$ قرار دارد.

جدول (۸). نتایج آمار توصیفی و آزمون تی برای مؤلفه‌های نهادی مؤثر در بازآفرینی پایدار شهری

استاندارد آزمون = ۳			
معیارها	میانگین	تفاوت از میانگین	معنی داری Sig
مؤلفه‌های نهادی مؤثر در بازآفرینی شهری پایدار	$3/80$	$0/800$	$0/000$

آزمون فرضیات پژوهش

فرضیه اول: به نظر می‌رسد چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوط به دولت و سازمان‌های دولتی مهمترین چالش سازمان‌های مردم نهاد برای بازآفرینی شهری پایدار در شهر تبریز است. با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل و بررسی فرضیات استفاده شد. همانطور که در جدول (۹) مشاهده می‌کنیم میانگین کل بدست آمده برای چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوط به دولت و سازمان‌های دولتی برابر با $3/54$ صدم بدست آمد که گویای این موضوع است. اگر فرضیه فوق درست باشد باید در آزمون t ، فرض صفر رد شود.

جدول (۹). شاخص‌های توصیفی چالش‌های نهادی مشارکت مربوط به دولت

مؤلفه‌ها	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
چالش‌های نهادی دولت	۳۸۵	$3/54$	$1/895$	$1/088$

مقدار مورد آزمون = ۳

مؤلفه‌ها	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					کران پایین	کران بالا
چالش‌های نهادی دولت	$1/606$	۳۸۴	$0/000$	$1/543$	$-0/07$	$1/13$

برای تعمیم دادن این موضوع به جامعه آماری از آزمون تی استفاده شد که مقدار سطح معناداری (sig.) برابر با $0/000$ شده است و چون این مقدار از $a = 0/05$ (خطای نوع اول) کمتر است، در آزمون فرض مزبور، فرض صفر رد می‌شود پس فرضیه فوق درست است و تایید می‌شود. می‌توان گفت چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوط به دولت و سازمان‌های دولتی مهمترین چالش سازمان‌های مردم نهاد در بازآفرینی شهری پایدار در شهر تبریز است.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد با تغییر نگاه مسئولان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌های مردم نهاد می‌توان مشارکت شهروندان و نهادها را در بازآفرینی پایدار شهری افزایش داد.

نتایج جدول (۱۰) نشان می‌دهد میانگین بدست آمده برای این معیار برابر با $3/70$ بدست آمد که از حد متوسط میانگین بزرگتر است و این گویای این موضوع است. دراین راستا برای تعمیم به جامعه آماری از آزمون t ، استفاده شد.

جدول (۱۰). نتایج توصیفی و آزمون تی برای مؤلفه‌ی تغییر نگاه مسئولان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌های مردم نهاد

مؤلفه‌ها	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
تغییر نگاه مسئولان	۳۸۵	۳/۷۰	۱/۸۶۰	۱۰/۷۸

مقدار موردآزمون = ۳

مؤلفه‌ها	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					کران پایین	کران بالا
تغییر نگاه مسئولان	۱/۵۴۷	۳۸۴	۰/۰۰۰	۱/۷۰۰	-۱/۰۸	۱/۱۱

سطح معناداری این آزمون برابر با ۰/۰۰۰ با اختلاف از میانگین ۰/۷۰ نشان می‌دهد که با تغییر نگاه مسئولان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌های مردم نهاد می‌توان مشارکت شهروندان و نهادها را در بازآفرینی پایدار شهری افزایش داد در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و فرضیه فوق نیز تأیید می‌شود. فرضیه سوم: به نظر می‌رسد مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهری، شهر تبریز مؤثر است.

نتایج بدست آمده در جدول (۱۱) برای مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی شهری نشان می‌دهد که میانگین کل این مؤلفه‌ها برابر با ۳/۸۰، که گویای این موضوع است. مقدار میانگین، انحراف معیار و خطای معیار در جدول زیر مشاهده می‌شود.

جدول (۱۱). نتایج توصیفی و آزمون تی برای مؤلفه‌ی تغییر نگاه مسئولان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌های مردم نهاد

مؤلفه‌ها	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
مؤلفه‌های نهادی مؤثر در بازآفرینی	۳۸۵	۳/۸۰	۱/۸۶۰	۱۰/۷۸

مقدار موردآزمون = ۳

مؤلفه‌ها	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					کران پایین	کران بالا
مؤلفه‌های نهادی مؤثر در بازآفرینی	۱/۷۵۸	۳۸۴	۰/۰۰۰	۱/۸۰۰	۱/۶۰	۱/۹۱

برای اثبات یا رد فرضیه از آزمون تی استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که سطح معناداری این آزمون برابر با ۰/۰۰۰ شده که از ۰/۰۵ خطای نوع اول کمتر است و فرض صفر رد می‌شود و فرضیه فوق تأیید می‌شود. بنابراین مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهری، شهر تبریز تأثیرگذار است. فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد با ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری (دفاتر نوسازی و تسهیلگری و...) در سطح شهر تبریز می‌توان مشارکت شهروندی در بازآفرینی شهری را افزایش داد.

میانگین بدست آمده برای این معیار برابر با ۴/۲۵ گویای این امر است که با ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری (دفاتر نوسازی و تسهیلگری و...) در سطح شهر تبریز می‌توان مشارکت شهروندی در بازآفرینی شهری را افزایش داد در این راستا برای تعمیم با جامعه آماری از آزمون t، استفاده شد.

جدول (۱۲). نتایج توصیفی و آزمون تی برای معیار تشکیل نهادهای مدنی و مردمی در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی

مؤلفه‌ها	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
تشکیل نهادهای مدنی و مردمی در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی	۳۸۵	۴/۲۵	۷۱۰/۱	۰۴۱/۱

مقدار موردآزمون = ۳

مؤلفه‌ها	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					کران بالا	کران پایین
تشکیل نهادهای مدنی و مردمی	۷۵۸/۱	۳۸۴	۰/۰۰۰	۱/۲۵	۹۳/۱	۱۱۲/۱

نتایج آزمون تی نشان می‌دهد که سطح معناداری این آزمون برابر با ۰/۰۰۰ است که از مقدار خطای نوع اول یعنی ۰/۰۵ کمتر است در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و فرضیه مزبور تأیید می‌شود. همچنین مقدار اختلاف از میانگین، مقدار تی، درجه آزادی و کران بالاپایین در جدول (۱۲) مشاهده می‌شود.

یافته‌های کیفی پژوهش

تحلیل محتوای داده‌ها در محیط نرم افزار NVivo منجر با استخراج ۲۳ مفهوم در کد گذاری باز و ۸ طبقه اصلی در کد گذاری محوری شد (جدول). در جدول زیر منظور از منبع، تعداد کل مصاحبه شونده‌هایی است که به مفهوم مورد نظر اشاره کردند و تعداد ارجاعات، تکرار دفعاتی است که هر مفهوم از سوی مصاحبه شونده‌ها مورد تاکید قرار گرفت. براساس یافته‌های بدست آمده بیشترین فراوانی از نظر منبع مربوط به مؤلفه‌های حضور شعارگونه مردم در قالب اهداف طرح‌های بازآفرینی و عدم وجود نهادهای تأثیر گذار در زمینه بهسازی و بازآفرینی شهر در تبریز با ۵ مصاحبه شونده بود. در رتبه بعدی فراوانی منبع، مؤلفه‌های نبود علاقه و انگیزه در بین مدیران شهری جهت جلب مشارکت مردمی، نبود بسترهای اجتماعی و فرهنگی مشارکت نهادها در طرح‌های بازآفرینی، ماهیت دولتی بودن مفهوم مشارکت، ضعف روحیه مشارکتی در شهروندان، فقدان زمینه‌های لازم برای مشارکت نهادهای مردمی در طرح‌های بازآفرینی شهری و موانع حقوقی سازمان‌های مردم نهاد با ۴ مصاحبه شونده قرار دارند. از نظر تعداد ارجاعات نیز مؤلفه‌ی عدم وجود نهادهای تأثیر گذار در زمینه بهسازی و بازآفرینی شهر بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است و در رتبه دوم مؤلفه‌های حضور شعارگونه مردم در قالب اهداف طرح‌های شهری، نبود بسترهای اجتماعی و فرهنگی مشارکت نهادها در طرح‌های بازآفرینی، عدم رویکرد همکاری و تشریک مساعی بین دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های مردمی، عدم استفاده از تجربیات و سابقه مشارکت در دیگر شهرها و کشورها در رتبه بعدی با ۷ ارجاع قراردارند.

جدول (۱۳). تحلیل اداری کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	فراوانی (منبع)	تعداد ارجاعات
عدم توجه مدیریت شهری به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در امر مشارکت شهروندی	نگه داشتن تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات در محدوده‌ی مدیریت شهری و عدم استفاده از دیگر نهادها در تصمیم‌گیری‌ها	۲	۳
	عدم اعتقاد مسئولین و مدیران شهری به توانایی‌های سازمان‌های مردمی	۲	۴
	عدم تعامل و ارتباط شهرداری‌ها با سازمان‌های مردمی در ارتباط با امور شهری	۳	۴
	نبود علاقه و انگیزه در بین مدیران شهری جهت جلب مشارکت مردمی	۴	۵
جمع			۱۶
فقر سرمایه اجتماعی	نبود بسترهای اجتماعی و فرهنگی مشارکت نهادها در طرح‌های بازآفرینی	۴	۷
	عدم اطلاع و آگاهی مردم از ماهیت سازمان‌های مردم‌نهاد	۳	۵
	عدم تمایل مردم برای مشارکت در سازمانها و طرح‌های بازآفرینی	۲	۳
	کمبود نیروی متخصص در سازمان‌های مردمی در ارتباط با مشارکت و بازآفرینی شهری	۲	۳
جمع			۱۸
ضعف ساختارهای موجود و نبود سابقه مشارکت در طرح‌های شهری	حضور شعارگونه مردم در قالب اهداف طرح‌های شهری	۵	۷
	ماهیت دولتی بودن مشارکت	۴	۶
	فراهم نبودن بستر و شرایط لازم جهت مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در اداره مردمی شهر	۳	۵
	ضعف روحیه مشارکتی در شهروندان	۴	۶
	عدم شکل‌گیری نهادهای مدنی همراه با تحولات اجتماعی در تبریز	۳	۴
جمع			۲۸
پایین بودن اختیارات سازمان‌های مردم‌نهاد	موانع حقوقی رشد و توانمندی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد	۴	۷
	مستقل نبودن سازمان‌های مردم‌نهاد و وابستگی آنها به دولت از نظر مالی	۳	۶
	فقدان زمینه‌های لازم برای مشارکت نهادهای مردمی در طرح‌های بازآفرینی شهری	۴	۵
	مداخله بسیاری از سازمان‌ها مخصوصاً شهرداری‌ها در کارهای سازمان‌های مردم‌نهاد	۳	۵
جمع			۲۳
عدم حمایت دولت، بخش خصوصی و دیگر سازمان‌ها دولتی از سازمان‌های مردم‌نهاد	کمبود امکانات مادی سازمان‌های مردم‌نهاد	۲	۴
	عدم رویکرد همکاری و تشریک مساعی بین دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های مردمی	۲	۷
	عدم حمایت سرمایه‌گذاران توسعه‌گران و سازندگان بخش خصوصی از مشارکت نهادها در طرح‌ها	۲	۶
جمع			۱۷
ازهم گسیختگی برنامه‌های شهری و جای خالی نهادها در طرح‌های بازآفرینی شهری	عدم وجود نهادهای تأثیرگذار در زمینه بهسازی و بازآفرینی شهر	۵	۹
	عدم استفاده از تجربیات و سابقه مشارکت در دیگر شهرها و کشورها	۵	۷
	عدم مدیریت یکپارچه شهری	۴	۵
	جمع	۱۴	۲۱

براساس یافته‌های جدول (۱۳) ضعف ساختارهای موجود و نبود سابقه مشارکت در طرح‌های بازآفرینی شهری بالاترین فراوانی و تعداد ارجاعات را به خود اختصاص داده (به ترتیب ۲۰ و ۲۸) که گویای اهمیت این چالش است. محورهای پایین بودن اختیارات سازمان‌های مردم نهاد با فراوانی ۱۴ و ۲۳، ازهم گسیختگی برنامه‌های شهری و جای خالی نهادها در طرح‌های بازآفرینی شهری با فراوانی ۱۴ و ۲۱ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

نتیجه‌گیری

یکی از اهداف اصلی در بازآفرینی شهری پایدار حضور و مشارکت مردم بصورت نهادینه شده در قالب تشکلهای مردم نهاد می‌باشد. حضور و مشارکت نهادمند مردم در چنین برنامه‌هایی از ضروریات و الزامات موفقیت نسبی این طرح‌ها خواهد بود، لذا توانمندسازی جامعه مدنی و محلی جهت بدست گرفتن سرنوشت خود در این طرح‌ها می‌تواند مشکل گشای خیلی از مسائل باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های مؤثر در چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهری در کلان شهر تبریز بود. برای این منظور از دو روش کمی و کیفی در جمع آوری داده‌ها استفاده شد در روش کمی تعداد ۳۸۵ پرسش نامه از شهروندان تبریز جمع آوری شد همانطور که درمبحث یافته‌های پژوهش مطرح شد مهمترین چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی براساس نظرات شهروندان مربوط به بخش دولتی و نهادهای دولتی عبارتند از به ترتیب: عدم استقبال مدیران و نبود اراده‌ی سیاسی و مدیریتی جدی برای مشارکت دادن سازمان‌ها و پذیرش هزینه‌های آن، موانع حقوقی رشد و توانمندی سازمان‌های مردم نهاد، و فقدان زمینه‌های لازم برای اجرای قوانین و حضور فعال مردم و سازمانهای مردم نهاد در طرح‌های بازآفرینی شهر. در بخش چالش‌های نهادی مشارکت مربوط به شهروندان به ترتیب سه مؤلفه‌ی عدم اطلاع و آگاهی بسیاری از مردم از وجود و ماهیت این نهادها، عدم تعامل مردم با سازمان‌های مردم نهاد در زمینه نوسازی و بازآفرینی شهری و مؤلفه نگاه ابزاری مردم به سازمان‌های مردم نهاد و استفاده منافع شخصی بدست آمد و در بخش چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی مربوط به خود سازمان‌های مردم نهاد سه مؤلفه اصلی به ترتیب، عدم وجود سازمان‌های مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری در شهر تبریز، ساختار مدیریتی سنتی و ضعیف سازمان‌های مردم نهاد و عدم شفافیت و پاسخگویی نهادها در برابر برنامه‌ها و فعالیت‌های خود با میانگین ۳/۷۰ به عنوان اصلی‌ترین چالش مشارکت شهروندی در ارتباط با خود سازمان‌های مردم نهاد از طرف شهروندان بدست آمد.

در بخش کیفی مصاحبه تحلیل محتوای داده‌ها در محیط نرم افزار NVivo منجر به استخراج ۲۳ مفهوم در کد گذاری باز و ۸ طبقه اصلی در کد گذاری محوری شد. براساس یافته‌های بدست آمده بیشترین فراوانی از نظر منبع مربوط به مؤلفه‌های حضور شعارگونه مردم در قالب اهداف طرح‌های بازآفرینی و عدم وجود نهادهای تأثیر گذار در زمینه بهسازی و بازآفرینی شهر در تبریز با ۵ مصاحبه شونده بود و از نظر تعداد ارجاعات نیز مؤلفه‌ی عدم وجود نهادهای تأثیر گذار در زمینه بهسازی و بازآفرینی شهر بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است. براساس یافته‌های پژوهش ضعف ساختارهای موجود و نبود سابقه مشارکت در طرح‌های بازآفرینی شهری بالاترین فراوانی و تعداد ارجاعات را به خود اختصاص داده (به ترتیب ۲۰ و ۲۸) که گویای اهمیت این چالش است. بنابراین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شهر تبریز در ارتباط با بازآفرینی پایدار شهری به صورت مشارکتی با چالش‌های نهادی زیادی روبه رو است که می‌توان با استفاده از مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی مؤثر در

بازآفرینی شهری، تغییر نگاه مسئولان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌های مردم نهاد، ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری (دفاتر نوسازی و تسهیلگری و...) در سطح شهر تبریز و رفع موانع حقوقی مرتبط با سازمان‌های مردم نهاد می‌توان مشارکت شهروندان در طرح‌های بازآفرینی شهری را افزایش داد و گامی در جهت رفع این چالش‌ها برداشت. بازآفرینی پایدار شهری پاسخی به چالش‌های شهری و نیازهای نسل جدید است و این سیاست در صورت اجرا در نهایت ضمن پیشگیری و حل مشکلات شهری به پیشرفت و بهبود پایدار اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی منجر خواهد شد. سازمان‌های مردم نهاد (سمن‌ها) با نیروی انسانی متخصص و دغدغه‌مند می‌توانند ظرفیت خوب و مطلوبی را برای دستگاه‌های اجرایی ایجاد نمایند. در واقع افزایش مشارکت اجتماعی نهادهای اجرایی می‌تواند از طریق تعامل و همکاری آن‌ها با سازمان‌های مردم نهاد اتفاق افتد.

یافته‌های این پژوهش در مقایسه با سایر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد این نتایج همسو و مطابق با یافته‌های کلانتری خلیل آباد و همکاران است آنها در پژوهش خود به موضوع چالش‌های نهادی در بازآفرینی پایدار شهری پرداختند و نتایج آنها نشان داد که چالش‌های نهادی بازآفرینی شهری ریشه در سه عامل دولت، مردم و نظام بین الملل دارد که دویخش دولت و مردم در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفتند و چالش‌های نهادی بخش دولتی و موانع حقوقی به عنوان مهمترین چالش‌های نهادی مشارکت شهروندان در بازآفرینی شهری بدست آمد. همچنین یافته‌های این پژوهش، نتایج پژوهش رجبی و حصارى نژاد که به موضوع شرکت‌های مردم نهاد شهری به عنوان راهکاری برای مشارکت شهروندان در مدیریت شهری پرداخته بودند را تایید می‌کند. یافته‌های موحد و همکاران که به موضوع نقش سازمان‌های مردم نهاد برای مشارکت در بازسازی بافت‌های فرسوده پرداخته بودند و به این نتیجه رسیده بودند که عدم شکل‌گیری نهادهای مردمی همراه با تحولات اجتماعی باعث شده است که جریان مشارکت در بازآفرینی بافت فرسوده رو به کاهش بگذارد، یافته‌های پژوهش حاضر یکی از عوامل تاثیر گذار در بازآفرینی پایدار شهری را ایجاد و تشکیل سازمان‌های غیردولتی مرتبط با بازآفرینی شهری می‌داند و این موضوع مهر تاییدی است بر یافته‌های پژوهش آنان. بنابراین نتایج این پژوهش‌ها روشن می‌کند که مشارکت شهروندی یکی از ارکان اصلی بازآفرینی پایدار شهری محسوب می‌شود و در این میان نهادهای مردمی و غیر دولتی وسیله و ابزار مهمی برای تحقق و عملی شدن مشارکت شهروندان در جریان بازآفرینی شهری بحساب می‌آیند.

منابع

- ارجمندنيا، اصغر. (۱۳۸۰). سازمان‌های غیردولتی، راهبرد مشارکت سازمان یافته، مدیریت شهری، ۵۰: ۲۸-۳۳.
- بحرینی، سید حسین؛ ایزدی، محمد سعید؛ مفیدی، مهردادنوش (۱۳۹۳)، رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، ۹: ۱۷-۳۰
- بوچانی، محمد حسین (۱۳۸۵)، سازمان‌های مردم نهاد در تعامل با شورا، ماهنامه اطلاع رسانی، آموزشی و پژوهشی شوراها، ۷: ۲۱-۱۷.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، سناجردی. (۱۳۸۷) نظریه‌های شهروپیرامون: تهران. سمت، چاپ دوم.

پوراحمد، احمد و دیگران (۱۳۸۹) سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت های فرسوده شهری، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۱): ۷۳-۹۲.

پیوسته گر، یعقوب و همکاران (۱۳۹۶). ذهنیت سنجی در خصوص عملکرد دفاتر تهسل گری بافت های فرسوده شهری در فرایند بازآفرینی شهری جالغ پایدار (نمونه موردی دفاتر تسهیل گری شهر شیراز). پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۸(۳۰): ۲۴۴-۲۲۵.

توکلی، ن، موید فر، س و ذاکریان، م. (۱۳۹۶). نقش سازمان های مردم نهاد و تشکل های مردمی در بازآفرینی بافت های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله مهدیه واقع در ناحیه غرب شهر کرد)، مطالعات برنامه ریزی سکونت گاه های انسانی، ۱۲(۴): ۹۱۴-۸۹۵.

جهانی دولت آباد، رحمان، شمعی، علی و جهانی دولت آباد، اسماعیل (۱۳۹۲). سنجش میزان هویت محله ای با تاکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی ۱۳(۳۱): ۲۱۰-۱۹۱.

رجبی، آزیتا و حصاری نژاد، جعفر (۱۳۹۲). شرکت های مردم نهاد شهری؛ راهکاری برای مشارکت شهروندان در مدیریت شهری. فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۴: ۱۲۹-۱۱۱.

رضائی، میثم و خدائی، زهرا (۱۳۹۶). ویژگی ها و موانع ایجاد نهاد های اجتماعی محله محور از نگاه شهروندان محلات واقع شده در فردوسییه - شهرستان شهریار، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۷(۴۵): ۴۹ - ۲۵.

رمضانی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان های مردنهاد در ایران وفرانس؛ از زمان تأسیس تا فعالیت، مطالعات حقوق تطبیقی ۶(۲): ۵۴۱-۵۶۷.

علی الحسابی، مهران (۱۳۸۹)، نقش سازمان های مردم نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی نمونه موردی: بندر لافت، مسکن و محیط روستا. ۱۳۴: ۴۸-۳۵.

کلانتری خلیل آباد، حسین و همکاران (۱۳۹۲). چالش های نهادی در بازآفرینی پایدار شهری، هفت شهر، ۴۷-۴۸.

کلانتری، عبدالحسین و رسولی، بهرام (۱۳۹۴). امکان سنجی مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه پارک های محله ای شهر تهران، مدیریت شهری، ۳۸: ۴۴۸-۴۲۵.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی و نفوس مسکن، تبریز.

موحد، علی و همکاران (۱۳۹۲). نقش سازمان های مردم نهاد برای مشارکت در بازسازی بافت های فرسوده نمونه موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر اهواز، انجمن جغرافیای ایران، ۱۱(۳۶): ۷۹-۹۷.

نجاتی حسینی، سید محمود؛ (۱۳۸۰) جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، فصلنامه مدیریت شهری، ۵: ۶-۱۵.

نوریان، فرشاد و عبدالهی ثابت، محمد مهدی؛ (۱۳۸۵). تبیین معیارها و شاخص های پایداری در محله مسکونی، مجله شهرنگار، ۵۰: ۴۹-۶۳.

Arnstein, S R (1969), **a ladder of citizen participation**. Journal of the American Institute of Planners 35: 216-224.

Clare, O. F. (2001). **Rural development and sustainable livelihoods**. Rome Preface of Farming Systems and Poverty. 1-21.

Handy, F., & Kassam, M. (2006). **Practice what you preach? The role of rural NGOs in women's empowerment**. Journal of Community Practice, 14(3): 69-91.

- Hemphill L, McGreal S & Berry J (2004) **An Indicator Based Approach to Measuring Sustainable Urban Regeneration Performance: Part 2, Empirical Evaluation and Case Study Analysis** Urban Studies 41: 757-772.
- LUDA. (2003) **Appraisal of Urban Rehabilitation Literature and Projects, Including a Glossary of Terms and a Preliminary Set of Indicators Characterising LUDA**. Large Scale Urban Distressed Areas (LUDA), Dresden.
- Richards, L. & Morse, J.M., (2012), **Readme First for a User's Guide to Qualitative Methods (third edition)**, Thousand Oaks, CA: Sage.17-.53
- Roberts, P., and Sykes, H (2000) **Urban Regeneration: A Handbook**. London: Thousand Oaks, Calif.: Sage.3-.52
- UN .2000. **Governance, participation and partnerships**. Un.Org.
- UNDP. (1999). **Human Development Report**, New York .
- UN-HABITAT. (2009). **Urban governance index (UGI) a tool to measure progress in achieving good urban governance**. Available in www.unhabitat.org.
- World Bank(1994), **"the world bank and participation"**,fourth draft, Washington: World Bank.